

## تدوین و اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی

دنیا گندم کار<sup>۱</sup>، عباس قلناش<sup>۲\*</sup>، سید احمدهاشمی<sup>۳</sup>، علی اصغر ماشینیچ<sup>۴</sup>

۱- دانشجوی دکتری رشته برنامه ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

۲- دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

۳- دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

۴- استادیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

### چکیده

هدف از تحقیق حاضر طراحی و اعتباربخشی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی برای دوره متوسطه دوم است. این تحقیق از نظر چگونگی گردآوری داده‌های مورد نیاز، در گروه «تحقیق آمیخته اکتشافی» طبقه‌بندی می‌شود. در بخش کیفی از رویکرد داده بنیاد و در بخش کمی از روش مطالعه موردی استفاده شده است. حوزه مورد مطالعه پژوهش حاضر در بخش کیفی متون و اسناد مرتبط با تربیت اخلاقی و نیز اساتید رشته‌های برنامه ریزی درسی و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه‌های کشور با درجه استادیار به بالا بوده‌اند. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند آن افرادی که تالیفاتی در این زمینه دارند مورد مطالعه و مصاحبه قرار گرفتند. در بخش کمی جهت اعتبار سنجی الگو از معلمان دوره متوسطه دوم استفاده شد. جامعه آماری تحقیق در بخش کمی شامل کلیه معلمان دوره متوسطه دوم شهر شیراز است. براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از معلمان دوره متوسطه دوم شهر شیراز به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب

شدند. الگو پیشنهادی پژوهش در زمینه الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم مشتمل بر ۹ عامل سیاستهای محیط کلان، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، اهداف برنامه درسی، فرایندهای یاددهی یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روشهای ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان است. یافته‌های تحقیق نشان داد پایایی ابزار تحقیق در حد قابل قبولی است و همچنین نتایج تحلیل عاملی نشان از مناسب بودن بارهای عاملی نشانگرهای (سوالات) مربوط به هر مولفه در پیش بینی ظرفیت متغیر خود و نیز مناسب بودن بار عاملی هر مولفه به عنوان نشانگر باور در پیش بینی این متغیر دارد.

**واژه‌های کلیدی:** برنامه درسی، تربیت اخلاقی، برنامه درسی تربیت اخلاقی، دوره متوسطه.

## مقدمه و بیان مسأله

متخصصان برنامه‌ریزی درسی پس از ارزشیابی برنامه‌های درسی به این نتیجه رسیده‌اند که اغلب برنامه‌های طراحی شده نسبت به بعد اصلی وجود متربی بی توجه بوده‌اند؛ به‌طور مثال اسلاوتری<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) صاحب نظران تعلیم و تربیت را به چیزی بیشتر از آنچه اینک در برنامه‌های درسی به عنوان هدف در جستجوی آن هستند به چالش فرامی‌خواند و می‌گوید. « مرییان باید از طراحی برنامه‌هایی که فقط به جنبه مادی و بیرونی و به آماده سازی برای آینده نامطمئن می‌پردازند، اجتناب ورزند».

آموزش و پرورش؛ از شاخص ترین و بارزترین جلوه‌های فرهنگ هر جامعه، به شمار می‌آید، و هدف آن پیدا کردن و پروراندن آن دسته از حالات جسمانی، اخلاقی و فرهنگی در یک فرد است که جامعه به طور کل با محیط خاص که وی در آن زندگی می‌کند، از او توقع دارد (رئیس پور و فرقانی، ۱۳۹۱). آموزش و پرورش از مهم ترین و پیچیده ترین اموری است که نقش بسیار موثری در زندگی انسان دارد. کودکان زمانی از آموزش و پرورش موفق برخوردار می‌شوند که بین عوامل مختلف تربیتی - فرهنگی، همکاری و مشارکت همه جانبه وجود داشته باشد. امروزه جوامع پیشرفته تنها از طریق تربیت نیروی انسانی مبتنی بر

رویکردهای تربیتی و رهیافت‌های فرهنگی خود توانسته‌اند در جاده توسعه و بهبود کیفیت زندگی ملت‌های خود پیش روند. هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزشهای فرهنگی، دینی، اجتماعی، سیاسی خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهد. بر همین اساس، هر جامعه‌ای از انسان مطلوب خود تصویری دارد و معنا و غایت معینی برای آموزش و پرورش قائل است، به این دلیل می‌کوشد افراد خود را بر اساس این تصور و معنا تربیت کند. بنابراین، تعیین هدف‌ها مستلزم ملاحظات فلسفی، دینی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به این تعریف، رابطه مستقیم و هماهنگ میان جامعه و آموزش و پرورش وجود دارد. با عنایت به نیاز آموزشی انسان برای فرهنگ سازی و تمدن، این نهاد جزئی از این کل ارگانیک است (شجاعی فرد، ۱۳۹۲).

تربیت اخلاقی همواره یکی از دغدغه‌های والدین، مربیان، پژوهشگران و آحاد افراد جامعه نیز بوده است. برنامه ریزان درسی نیز همواره دغدغه‌ی تربیت صحیح را نیز داشته‌اند، در حوزه‌های مختلف آن از جمله از منظر فرهنگ، توسعه، اقتصاد و انحرافات که به مشکلات جامعه نگریسته می‌شود مسائل تربیتی نقش مهمی ایفا می‌کند چرا که تنها در صورت رشد تربیتی سالم زمینه‌های ایجاد رشد جامعه فراهم می‌شود (کلاسن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). پژوهش‌های متعددی در طول سالیان مختلف با روش‌های مختلف کمی و کیفی انجام شده است که از دیدگاه‌های مختلف تربیت اخلاقی را بررسی کرده‌اند و راهکارهایی نیز ارائه نموده‌اند، اما نظام آموزش و پرورش که براساس فرهنگ و باورهای هر ملتی شکل گرفته نمی‌تواند نظامی ثابت و ایستا باشد و برنامه‌های خود را بدون تغییر و بدون پژوهش مستمر برای مدت طولانی اجرا نماید زیرا هدفش پرورش انسان است که همچون سایر موجودات هر لحظه در حال تغییر است و در هر دوره‌ای نیازهای متفاوتی دارد. نکته‌ای که انسان می‌تواند از کمال آفرینش نیز بیاموزد هر لحظه تغییر و نو شدن و حرکت به سوی فصلی دیگر است (افکاری، ۱۳۹۳).

همان گونه که جهان زیست ما نیز همانند انسان با رشدی بیش از قبل تغییر می‌کند. بنابراین لزوم شناخت مجدد و دگرگونی در دیدگاه‌ها و برنامه‌ها و عملکردها اولین گام در بهبود اوضاع است. امروز با ورود رسانه‌های ارتباطی جدید بسیاری از روابط و کنش‌های ارتباطی در همه جوامع تغییر کرده است. در دنیای ارتباطی امروز که فاصله‌ها نزدیک گشته است و الگوهای متعددی پیش روی نوجوانان و جوانان قرار دارد که همه ی آنان نمی‌تواند مورد تایید قرار گیرد لزوم تجدید نظر در پرورش اخلاقی دانش آموزان از مبادی رسمی ضروری است تا با وجود الگوهای موجود در دنیای واقعی و مجازی، مفاهیم ارائه شده در نظام آموزش و پرورش قابل درک و پذیرش برای فراگیران باشد و در جهت درونی کردن ارزش‌های انسانی باشد که او خود بتواند در همه حال راه درست را تشخیص دهد و عاقلانه رفتار کند (سیگیو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

بنابراین ضرورت دارد که شناخت ما از نو ساخته شود و دیدگاه‌های ما متناسب با نیازهای جدید تغییر داده شود و شناخت مشکلات، نواقص و چالش‌ها از آن رو اهمیت دارد که با تغییرات روز مره و سریع حرکت کرده و برنامه ریزی‌ها در جهت اهداف بلند مدت اما در هماهنگی با تغییرات سریع باشد. باید کودک و نوجوان امروز و نیازهای تربیتی وی، روابط امروز، کنش‌های ارتباطی امروز و چالش‌های امروز شناخته شود و سپس برنامه‌ها و اهداف محتوای موجود نیز سنجیده و بررسی شود (شجاعی فرد، ۱۳۹۲).

به طور مثال اسلاتری<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) ما را به چیزی بیشتر از آنچه اینک در برنامه‌های درسی به عنوان هدف در جستجوی آن هستیم به چالش فرا می‌خواند و می‌گوید. مربیان باید در طراحی برنامه‌هایی که فقط به جنبه مادی و بیرونی و آمادگی برای آینده نا مطمئن است، پرهیزند. وجود الگویی به عنوان راهنمای عمل مربیان ضروری به نظر می‌رسد که در تحقیقات متعددی به این مهم پرداخته شده است. استینسون<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی به ارائه الگوی برای تربیت اخلاقی و زیبایی شناسی در برنامه درسی پرداخت. روش این تحقیق اکتشافی بود. برای طراحی

1 Segev

2 Slaterry

3 Stinson

الگو از نظریه مارتین بوبر<sup>۱</sup>، کارول گیلیگان<sup>۲</sup> و جیمز راس مک دونالد<sup>۳</sup> استفاده شده است. در یافته‌های تحقیق بر رابطه بین ادراک و جهان بزرگتر تاکید شده است و ایجاد حس از واقعیت بودن یک فرد در جهان به عنوان اصلی در تربیت اخلاقی به نگرانی‌های اخلاقی در برنامه درسی پاسخ می‌دهد. همچنین سیگیو<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی به ارائه الگوی یکپارچه سازی برنامه درسی مدرسه با آموزش و پرورش اخلاقی و فکری پرداخت. در این تحقیق اذعان شده است که چگونگی رویکرد یکپارچه سازی منجر به تعدادی از تغییرات در شکل گیری، آموزش و یادگیری برنامه درسی مدرسه می‌شود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است یکپارچه سازی برنامه درسی در مدرسه به رشد اخلاق در دانش آموزان یاری می‌رساند.

پرداختن به مسائل فوق مستلزم بررسی عملکرد تربیتی نهاد آموزش و پرورش از منظری دیگر است که تا کنون به این صورت به آن پرداخته نشده است. متخصصان برنامه ریزی درسی پس از ارزشیابی برنامه‌های درسی به این نتیجه رسیده‌اند که اغلب برنامه‌های طراحی شده نسبت به بعد اصلی وجود متربی بی توجه بوده‌اند. برنامه درسی تربیت اخلاقی از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه برنامه درسی شناسایی می‌شود و در این تحقیق ملاک بررسی عملکرد تربیتی نهاد آموزش و پرورش قرار گرفته است. این جای سوال است که چرا دانش آموزان پس از سال‌ها تحصیل در مدارس کشور و صرف هزینه‌های مادی و معنوی بسیار نمی‌توانند انتظارات والدین، مربیان و جامعه را از رشد اخلاقی خویش برآورده سازند. چه کاستی‌هایی در نظام آموزش و پرورش وجود دارد و کدام آموزه‌ها در پرورش فراگیران مورد غفلت واقع شده است؟ بنابراین سوال اصلی در این تحقیق به این صورت مطرح می‌شود که الگوی پیشنهادی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره متوسطه دوم چگونه می‌تواند باشد؟ و اعتبار این الگو از نظر معلمان دوره متوسطه چگونه می‌تواند باشد؟

---

1 Martin Buber

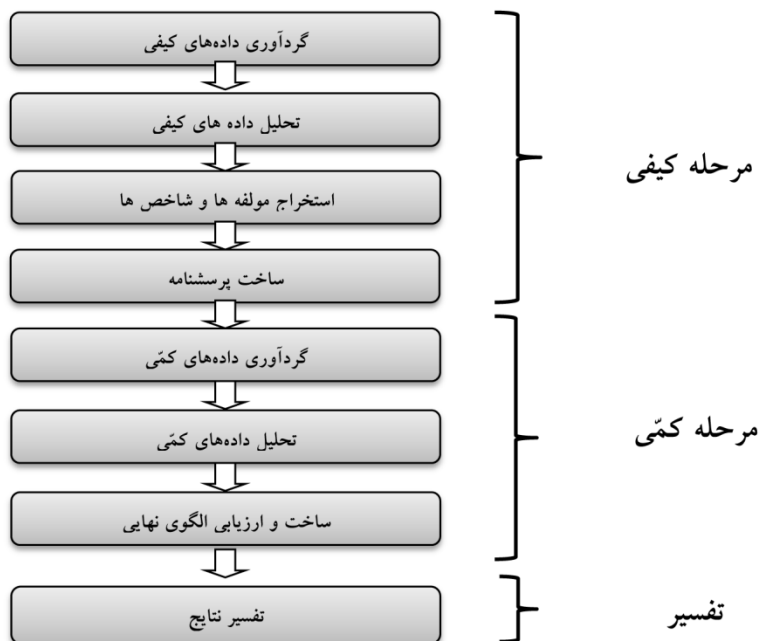
2 Carol Gilligan

3 James Ross MacDonald

4 Segev

## روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف با توجه به اینکه به طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم می‌پردازد، در حیطه تحقیق کاربردی طبقه‌بندی می‌شود. همچنین، تحقیق حاضر از نظر چگونگی گردآوری داده‌های مورد نیاز، در گروه «تحقیق آمیخته اکتشافی» طبقه‌بندی می‌شود. یکی از مزایای مهم و قابل توجه طرح‌های تحقیقاتی آمیخته این است که نسبت به هر یک از طرح‌ها (کمی یا کیفی)، تصویری جامع‌تر و بهتری از مسئله پژوهش ارائه می‌دهد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۳). در طرح روش آمیخته اکتشافی، محقق در ابتدا با استفاده از تحقیق کیفی، مفهوم‌سازی کرده و سپس به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی می‌پردازد (هومن، ۱۳۹۵). برای این منظور ابتدا داده‌های براساس روش داده بنیاد گردآوری می‌شود که منجر به شناسایی جنبه‌های متعدد پدیده شود و امکان تدوین الگوی مفهومی تحقیق فراهم شود، سپس بر مبنای یافته‌های حاصل از داده‌های کیفی ابزار تحقیق ساخته می‌شود و براساس آن داده‌های کمی گردآوری می‌شوند تا تعمیم‌پذیری یافته‌ها میسر شود. به طور کلی دلایل انتخاب روش تحقیق آمیخته برای تحقیق حاضر عبارت‌اند از: (۱) به دست آوردن شواهد بیشتری برای برنامه درسی تربیت اخلاقی، (۲) عدم وجود یک الگوی مناسب در برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم و (۳) لزوم استفاده از دیدگاه‌های خبرگان متخصص جهت ارائه الگو. با توجه به موارد فوق، مراحل تحقیق حاضر به شیوه زیر انجام می‌پذیرد:



شکل شماره ۱- طرح کلی پژوهش

در بخش کیفی تحقیق حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات هم از مطالعه اسناد مرتبط با تربیت اخلاقی و هم از مصاحبه عمیق استفاده شده است حوزه تحقیق در بخش کیفی شامل کلیه اساتید رشته‌های برنامه ریزی درسی و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه‌های کشور با درجه دانشیار به بالا است بر اساس روش نمونه گیری هدفمند آن افرادی که تالیفاتی در این زمینه دارند مورد مطالعه و مصاحبه قرار گرفته‌اند. براساس روش نمونه گیری گلوله برفی با ۲۵ نفر از صاحب‌نظران مصاحبه به عمل آمد.

در بخش میدانی از ابزار پرسشنامه که براساس بخش کیفی طراحی شد، استفاده شد. جامعه آماری تحقیق در بخش کمی شامل کلیه معلمان دوره متوسطه دوم شهر شیراز است، که تعداد آنها ۳۵۰۰ نفر بودند. براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از معلمان دوره متوسطه دوم شهر شیراز به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. در این قسمت ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه تحقیق یعنی جنسیت، سن و سابقه کار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش در ارتباط با متغیر جنسیت حاکی از آن بود که ۶۶.۹۳ درصد پاسخ دهندگان را مردان و حدود ۳۳.۰۷ درصد پاسخ دهندگان را زنان تشکیل می‌دهند. در مورد سن هم ملاحظه می‌شود بیشتر شرکت کنندگان دارای سنین ۳۰-۴۰ سال بودند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان دهنده این است که بیشتر شرکت کنندگان در پژوهش دارای سابقه کار ۱۰ تا ۱۵ سال هستند. در مورد متغیرهای اصلی پژوهش باید عنوان کرد که پرسشنامه تحقیق حاضر به صورت محقق ساخته است. این پرسشنامه شامل ده بعد و ۵۵ گویه بوده، که برای درجه بندی از طیف لیکرت استفاده شده است. در جدول زیر سوالات مربوط به هر بعد مشخص شده است:

### جدول ۱- ابعاد پرسشنامه

ردیف	ابعاد	سوال
۱	سیاستهای محیط کلان	۱-۳
۲	محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	۴-۱۱
۳	اهداف برنامه درسی	۱۲-۱۷
۴	فرایندهای یاددهی-یادگیری	۱۸-۲۶
۵	استفاده از فناوری اطلاعات	۲۷-۳۱
۷	تعامل مستمر با مراکز علمی	۳۲-۳۷
۸	مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی	۳۸-۴۳
۹	روشهای ارزشیابی	۴۴-۴۶
۱۰	ویژگی پذیرندگان	۴۷-۵۰

آلفای ۰.۹۴۲ که برای برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم محاسبه شد میزان مناسبی برای اعتبار الگو است. مقدار اعتبار نهایی پرسشنامه از روش دونیمه کردن گاتمن معادل ۰.۹۵۰ و از روش دونیمه کردن اسپیرمن براون نیز برابر با ۰.۹۵۰ است که مشاهده می‌شود پرسشنامه از اعتماد خوبی برخوردار است.

یافته‌های مربوط به تحلیل عاملی تأییدی در جدول شماره ۲ درج شده است. این یافته‌ها حاکی از آن است که متغیرهای تحقیق دارای بارهای عاملی قابل قبولی هستند. همه این بارهای عاملی در سطح آلفای  $P < .01$  معنادار هستند.



## جدول ۲- یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی

بارهای عاملی رو سازه‌ها									آلفای کرونباخ	متغیرها
ویژگی پذیرندگان	روشهای ارزشیابی	مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی	تعامل مستمر با مراکز علمی	استفاده از فناوری اطلاعات	فرایندهای یاددهی- یادگیری	اهداف برنامه درسی	محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	سیاستهای محیط کلان		
								۰/۶۰	۰/۸۹	سیاستهای محیط کلان
							۰/۷۴		۰/۸۲	محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی
						۰/۷۷			۰/۸۷	اهداف برنامه درسی
					۰/۸۶				۰/۹۱	فرایندهای یاددهی- یادگیری
				۰/۹۱					۰/۸۸	استفاده از فناوری اطلاعات
			۰/۹۴						۰/۸۹	تعامل مستمر با مراکز علمی
		۰/۹۰							۰/۷۸	مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی
	۰/۸۵								۰/۸۲	روشهای ارزشیابی
۰/۷۹									۰/۸۸	ویژگی پذیرندگان

(همه بارهای عاملی در سطح آلفای ۰/۱. معنی دار هستند)

همچنین نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که هر یک از سازه‌های سیاستهای محیط کلان، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، اهداف برنامه درسی، فرایندهای یاددهی-یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روشهای ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان دارای شاخص‌های برآزش مورد قبولی هستند.

### یافته‌ها

مقولات با توجه به هدف کلی پژوهش در راستای طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم استخراج گردید و با توجه به اشتراکات مفهومی هر کدام از این مفاهیم در مقولات جای گرفتند و در تحلیل نهایی مفاهیم اولیه، با کسب آگاهی کافی از اینها که تم‌های مختلف کدام‌ها هستند، چگونگی تناسب آنها با یکدیگر و کل داستانی که آنها درباره داده‌ها می‌گویند، تلاش گردید یک نقشه رضایت بخش از تم‌ها ترسیم گردد، در این مرحله، تم‌هایی را که برای تحلیل ارائه کرده، تعریف شدند و مورد بازبینی مجدد قرار گرفتند. به وسیله تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن چیزی که یک تم در مورد آن بحث می‌کند، مشخص شد و تعیین شد که هر تم کدام جنبه از اطلاعات را در خود جای داده است.

### جدول ۳- تم‌های مشترک استخراج شده از تحلیل‌ها

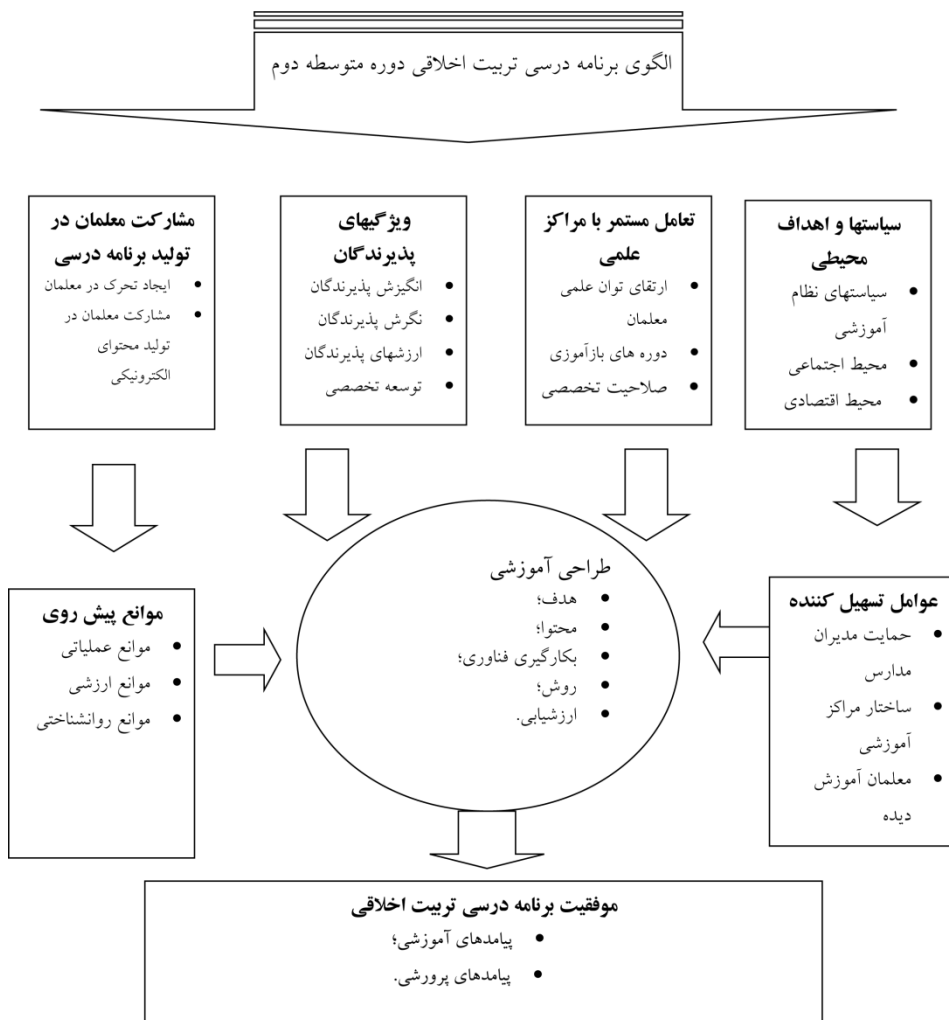
تم ۱، سیاستهای محیط کلان	
سیاستهای نظام آموزشی در حوزه برنامه درسی تربیت اخلاقی	تم ۱
پذیرش علوم تربیت اخلاقی در محیط اجتماعی	
اختصاص بودجه به فعالیتهای علمی اخلاقی (محیط اقتصادی)	
تم ۲، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	
مطابقت محتوای برنامه درسی با ضوابط وزارت آموزش و پرورش	تم ۲
رعایت انتخاب محتوای برنامه‌درسی با ساختار دانش اخلاق	
تولید محتوای الکترونیکی به روز بودن در برنامه درسی تربیت اخلاقی	
ارتباط و انعطاف محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی با علایق دانش آموزان	
رضایت دانش آموزان از محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	
تأکید بر پژوهش و کاوشگری در محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	

	میزان توجه به تخصصی بودن محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	
	میزان رعایت نیازهای جامعه در انتخاب محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	
	تم ۳، اهداف برنامه درسی	
مقررات	مطابقت برنامه درسی تربیت اخلاقی جهت رفع مشکلات پرورشی	
	آگاهی دانش آموزان و معلمان از تحولات نظام آموزش و پرورش	
	موفقیت برنامه درسی در رشد همه جانبه و آمادگی دانش آموزان در زمینه اخلاق	
	مطابقت برنامه درسی با هدف ارتقاء حس راهبری دانش آموزان در حوزه اخلاق	
	توجه به علایق دانش آموزان در انتخاب اهداف برنامه درسی تربیت اخلاقی	
	تغییر سرفصل دروس با توجه به تحولات علمی و نیازهای تعلیم و تربیت تربیت اخلاقی	
	تم ۴، فرایندهای یاددهی یادگیری	
مقررات	انطباق روش‌های تدریس جدید با اهداف برنامه درسی تربیت اخلاقی	
	مشارکت فعال دانش آموزان در برنامه درسی تربیت اخلاقی	
	آمادگی دانش آموزان جهت یادگیری و تحصیل علوم تربیت اخلاقی	
	کیفیت بازخوردهای ارائه شده به دانش آموزان	
	فرصت مناسب به دانش آموزان جهت اندیشیدن به مسائل اخلاق	
	تلاش جهت پروراندن ابعاد عاطفی و شناختی دانش آموزان	
	اعتقاد به ایجاد فرصت تحلیل و ارزیابی مسائل اخلاق توسط دانش آموزان	
	توجه به محبت و حمایت‌های عاطفی در محیط یادگیری	
	استفاده از روشهای تدریس مبتنی بر دانش (بحث و گفتگو، بازدید و گردش علمی، قصه گویی و نمایش و بازی سازمان یافته)	
	تم ۵، استفاده از فناوری اطلاعات	
مقررات	هوشمندسازی کلاس‌های درس تربیت اخلاقی	
	استفاده معلمان از کامپیوتر و فناوریهای نوین در امر یاددهی	
	استفاده از فناوری اطلاعات در دوره‌ها و همایش‌های حوزه اخلاق	
	میزان دستیابی معلمان و دانش آموزان به اینترنت جهت آموزش	
	میزان بازنگری در سرفصل دروس براساس فن‌آوری‌های جدید	
	تم ۶، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی	
مقررات	ارتقاء توان علمی معلمان با آموزشهای مستمر و حین خدمت در حوزه برنامه درسی تربیت اخلاقی	(۱)

ایجاد فرصتهای علمی و پژوهشی لازم در حوزه اخلاق برای معلمان از سوی مدیران	
ایجاد فرصت تصمیم‌سازی برای دانش‌آموزان و معلمان	
تعامل مدارس با نهادهای محلی و صاحب‌نظران حوزه اخلاق	
تخصیص اعتبارات پژوهشی و شرکت در همایش‌های تربیت اخلاقی به معلمان	
برگزاری سمینارهای علمی و تبادل اطلاعات با سایر مراکز علمی در زمینه اخلاق	
تم ۷، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی	
ایجاد تحرك در معلمان جهت مشارکت در تولید برنامه درسی تربیت اخلاقی	مشارکت
توجه معلمان به بافت و مسائل محلی در برنامه‌ریزی درسی تربیت اخلاقی	
میزان رصد تحولات علمی و اداری آموزش و پرورش توسط معلمان	
همکاری دانش‌آموزان و معلمان جهت انتخاب برنامه درسی	
تأثیر برنامه درسی معلمان بر دانش، پژوهندگی و بینش دانش‌آموزان	
مشارکت معلمان و کارشناسان در تولید محتوای الکترونیکی	
تم ۸، روشهای ارزشیابی	
استفاده از پوشه کار و چک لیست برای ارزشیابی فعالیتهای دانش‌آموزان در حوزه تربیت اخلاقی	مشارکت
مشاهده مستقیم رفتار دانش‌آموزان در موقعیتهای مختلف جهت ارزشیابی آنان	
سنجش مهارتهای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان براساس روشهای خودسنجی و انجام پروژه‌های فردی و گروهی	
تم ۹، ویژگی پذیرندگان	
انگیزش پذیرندگان به یادگیری دروس تربیت اخلاقی	مشارکت
نگرش پذیرندگان به اخلاق	
تلقی روح و جسم و حفظ آن به عنوان یک ارزش	
توسعه تخصصی دانش‌آموزان در حوزه اخلاق	

در این تحقیق کدگذاری محوری بر اساس استفاده از الگوی پارادایم (شکل ۱) صورت گرفته است. بنابراین دسته بندی‌های فرعی با دسته بندی اصلی مطابق با الگوی پارادایم مرتبط می‌شوند و هدف اصلی این است که محقق را قادر سازد تا به صورت نظام مند در مورد داده‌ها و مرتبط کردن آنها تفکر کند.

شکل (۲)، ایجاد ارتباط بین مقوله‌های مختلف شناسایی شده را در قالب الگوی پارادایم نمایش می‌دهد.



شکل ۲- کدگذاری محوری بر اساس الگوی پارادایم

## ۱- مقوله محوری: طراحی آموزشی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم

با توجه به اینکه براساس الگوی طراحی شده، "طراحی آموزشی" را به عنوان مبنا و ستون اصلی تحقق طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم قلمداد کرده‌اند، پس از جمع آوری و تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری باز و بررسی ویژگی‌های ارائه شده، مقوله "طراحی آموزشی" به عنوان مقوله محوری انتخاب شد. طراحی آموزشی شامل هدف، محتوا، بکارگیری فناوری، روش و ارزشیابی در حوزه تربیت اخلاقی است.

## ۲- شرایط علی: سیاستها و اهداف محیطی

شرایط علی باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های موجود، "سیاستها و اهداف محیطی" به عنوان علی تلقی می‌شوند که نقش فعال در طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم داشته و تا این عوامل مهیا نشوند برنامه درسی تربیت اخلاقی محقق نمی‌شوند.

## ۳- کنشها و تعاملات: مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی و تعامل مستمر با مراکز علمی

کنشها و تعاملات بیانگر رفتارها، فعالیتها و تعاملات هدف داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تاثیر شرایط مداخله گر، اتخاذ می‌شوند. به این مقوله‌ها راهبرد نیز گفته می‌شود. که در تحقیق حاضر عبارتند از: مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی و تعامل مستمر با مراکز علمی.

## ۳- شرایط مداخله گر: عوامل تسهیل کننده و موانع

شرایط مداخله گر عواملی هستند که در اجرای خط مشی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم تاثیر گذار است. عواملی که در تحقیق حاضر در طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم نقش عوامل تسهیل گر را ایفا می‌کنند عبارتند از: حمایت مدیران مدارس، ساختار مراکز آموزشی

و معلمان آموزش دیده. همچنین موانع عملیاتی، موانع ارزشی و موانع روانشناختی موانع پیش روی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم را ایفا می‌کنند.

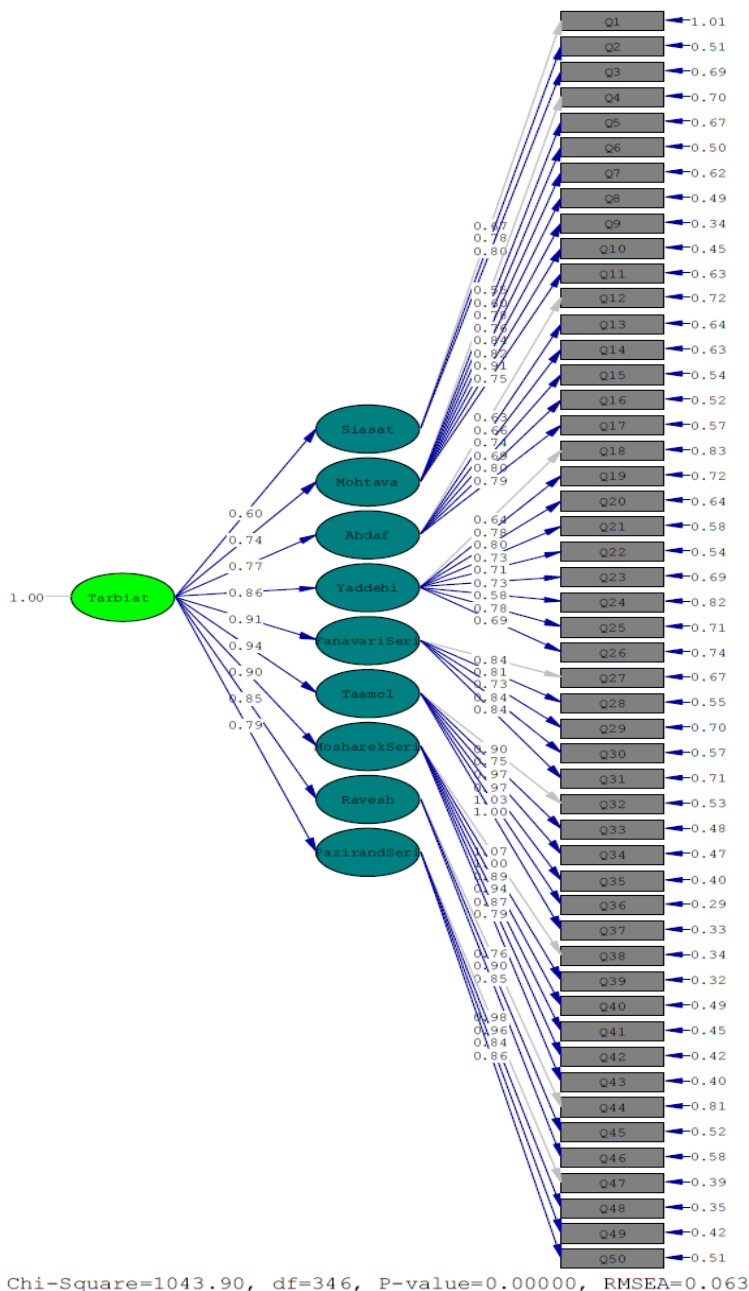
#### ۴- بستر حاکم: ویژگی پذیرندگان

به شرایط خاصی که برکنشها و تعاملات تاثیر می گذارند، بستر گفته می شود. این شرایط را مجموعه ای از مفاهیم، مقوله ها یا متغیرهای زمینه ای تشکیل دهند و در الگوی معرفی شده عبارتند از: انگیزش پذیرندگان، نگرش پذیرندگان و ارزشهای پذیرندگان و توسعه تخصصی.

#### ۵- پیامدها: موفقیت برنامه درسی تربیت اخلاقی

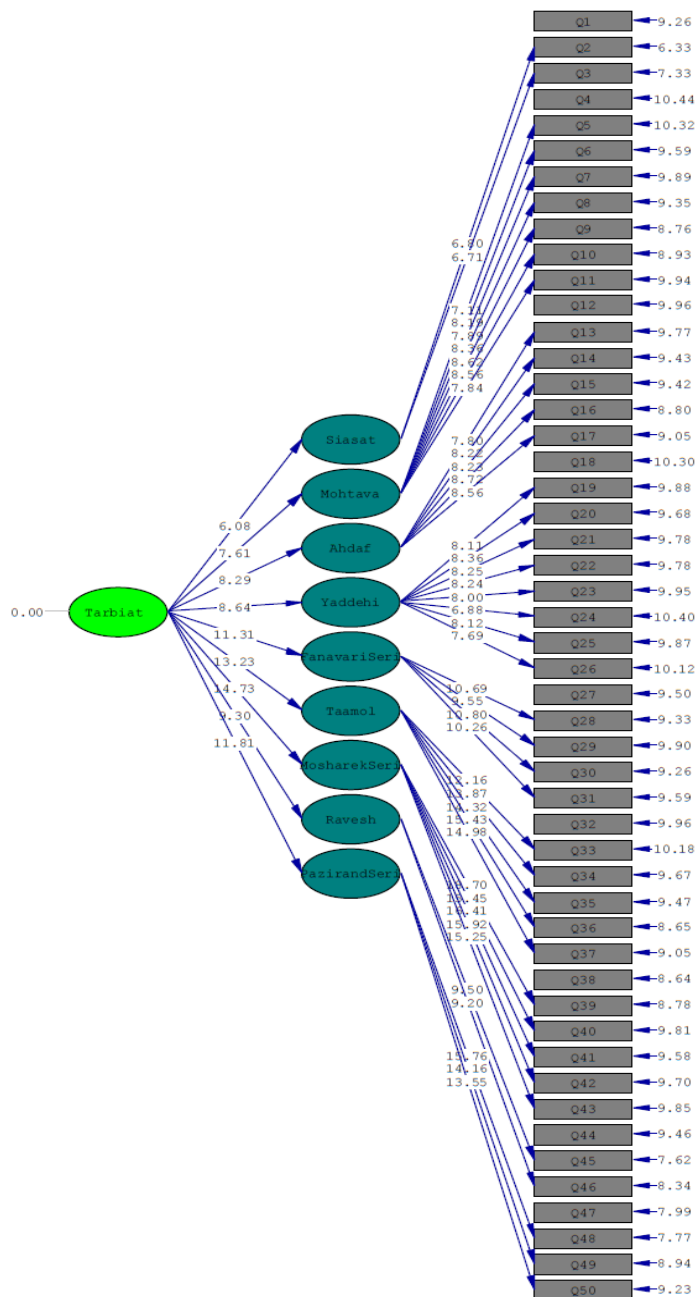
برخی از مقوله ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می آیند. در پژوهش حاضر، رخداد نتایج تصمیم گیری شامل پیامدهای آموزشی و پرورشی، نتیجه کنشها و تعاملات ایجاد شده و تاثیر پذیر از شرایط علی، مقوله محوری و بستر حاکم می باشد، که عوامل متعددی را شامل می شود.

در ادامه، نتایج تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم ارائه شده است.



شکل ۳- الگو تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم الگوی تربیت اخلاقی در حالت ضرایب استاندارد





Chi-Square=1043.90, df=346, P-value=0.00000, RMSEA=0.063

شکل ۴- الگو تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم الگوی تربیت اخلاقی در حالت اعداد معناداری t

همان طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود که همه متغیرهای تبیین کننده الگوی تربیت اخلاقی دارای همبستگی بالایی با تربیت اخلاقی می‌باشند. با توجه به شکل ۳، کلیه اعداد معناداری مربوط به پارامترهای الگو (اعم از بارهای عاملی و خطاهای آن) معنادار شده است زیرا عدد معناداری آنها از ۱/۹۶ بزرگتر است. در ادامه و در جدول زیر شاخص‌های برازش الگو ساختاری واکنش بین فردی گزارش شده است.

### جدول ۳- شاخص‌های برازش کلی الگوی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم

مشخصه	برآورد
نسبت مجذور خی به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )	۳/۰۱
جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۶۳
شاخص نکویی برازش (GFI)	۰/۹۳
شاخص تعدیل شده ی نکویی برازش (AGFI)	۰/۹۱
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۳
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	۰/۹۲

با توجه به نتایج جدول ۳ شاخص‌های برازش الگو ساختاری نشان می‌دهند که الگو دارای برازش نسبتاً خوبی است؛ اگرچه شاخص مجذور کا بر درجه آزادی کمی بزرگتر از ۳ شده، اما جذر برآورد واریانس خطای تقریب کمتر از ۰/۰۸ و سایر شاخص‌ها نیز بالاتر از ۰/۹۰ بدست آمده است. با توجه به توضیحات ارائه شده ی مربوط به شاخص‌های برازش نتایج اولیه حاصل از تحلیل عاملی تأییدی مقوله‌های تحقیق در جدول ذیل آمده است:

### جدول ۴- شاخص‌های برازش الگو نهایی

نوع شاخص	شاخص	مقدار قابل قبول برای تأیید برازش الگو	نتیجه
مطلق	$X^2/DF$	مقدار بین ۱ تا ۳	تأیید نکویی برازش الگو
	RMSEA	مقدار کوچکتر از ۰.۰۸	تأیید نکویی برازش الگو
	SRMR	مقدار کوچکتر از ۰.۰۸	تأیید نکویی برازش الگو

تأیید نیکویی برآزش الگو	مقدار بزرگتر از ۰.۹	GFI	نسبی
تأیید نیکویی برآزش الگو	مقدار بزرگتر از ۰.۹	AGFI	
تأیید نیکویی برآزش الگو	مقدار بزرگتر از ۰.۹	NFI	
تأیید نیکویی برآزش الگو	مقدار بزرگتر از ۰.۹	TLI	
تأیید نیکویی برآزش الگو	مقدار بزرگتر از ۰.۹	IFI	
تأیید نیکویی برآزش الگو	مقدار بزرگتر از ۰.۹	CFI	
تأیید نیکویی برآزش الگو	مقدار بزرگتر از ۰.۵	PGFI	مقتصد
تأیید نیکویی برآزش الگو	مقدار بزرگتر از ۰.۵	PNFI	
تأیید نیکویی برآزش الگو	مقدار بزرگتر از ۰.۵	PCFI	

همانطور که از جدول فوق مشخص است تقریباً همه شاخص‌های برآزش تحلیل عاملی تأییدی دلالت بر تأیید نیکویی برآزش الگو دارند.

### بحث و نتیجه گیری

در تحقیق حاضر جهت ارائه الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم از روش مطالعه موردی کیفی براساس رویکرد داده بنیاد استفاده شد. عناصر تشکیل دهنده الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم شامل عوامل و شاخص‌هایی می باشد که در آن چگونگی ارتباط میان عوامل و شاخص‌ها تبیین شده است.

الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم دارای دو بخش عوامل اصلی و شاخص‌های آنها است. این الگو از شاخص‌هایی تشکیل شده است که هسته و قلب این الگو می باشند و مبنای ارزیابی برنامه درسی تربیت اخلاقی قرار می گیرند که به آنها عوامل موثر بر تربیت اخلاقی می گویند. الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم دارای ۹ عامل اصلی سیاستهای محیط کلان، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، اهداف برنامه درسی، فرایندهای یاددهی یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی و

پژوهشی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روشهای ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان است که شامل ۵۰ شاخص تشکیل دهنده آنهاست.

به منظور بررسی روایی محتوایی عناصر شناسایی شده الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم این عناصر در اختیار نمونه‌های آماری تحقیق قرار گرفت. جامعه آماری در بخش کیفی شامل کلیه اساتید رشته‌های برنامه ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاههای کشور با درجه دانشیار به بالا است بر اساس روش نمونه گیری هدفمند آن افرادی که تالیفاتی در این زمینه دارند مورد مطالعه و مصاحبه قرار خواهند گرفت. در بخش کیفی شامل کلیه اساتید رشته‌های برنامه ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاههای کشور با درجه دانشیار به بالا است بر اساس روش نمونه گیری هدفمند آن افرادی که تالیفاتی در این زمینه دارند مورد مطالعه و مصاحبه قرار گرفت. براساس روش گلوله برفی با ۲۵ نفر از صاحب‌نظران مصاحبه به عمل آمد. جامعه آماری تحقیق در بخش کمی شامل کلیه معلمان دوره متوسطه دوم شهر شیراز است براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از معلمان دوره متوسطه دوم شهر شیراز به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. جهت بررسی روایی سازه ابزار تحقیق از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی مناسب بودن بارهای عاملی نشانگرهای (سوالات) مربوط به هر مولفه در پیش بینی ظرفیت متغیر خود و نیز مناسب بودن بار عاملی هر مولفه به عنوان نشانگر باور در پیش بینی این متغیر دارد.

همچنین برای پیش بینی تغییر الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم، الگوی مفهومی پیشنهاد شده از طریق روش الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد. ضرایب واریانس تبیین شده برای مسیرهای پژوهش نشان داد که ضرایب مسیر متغیرهای سیاستهای محیط کلان، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، اهداف برنامه درسی، فرایندهای یاددهی یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روشهای ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان در سطح ۰/۰۱ مثبت و معنادار است. همچنین نتایج الویت بندی و تعیین نقاط اهرمی نشان داد که مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، تعامل مستمر با مراکز علمی و استفاده از فناوری اطلاعات دارای بیشترین

ضریب واریانس تبیین شده بر روی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم هستند.

الگو پیشنهادی پژوهش در زمینه الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم مشتمل بر ۹ عامل سیاستهای محیط کلان، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، اهداف برنامه درسی، فرایندهای یاددهی یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روشهای ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان است.

ویژگی‌های برنامه درسی مطلوب توجه به همه عناصر برنامه درسی، عدم ابهام و وجود توازن و انعطاف در بین عناصر برنامه درسی و تناسب آن با ویژگی‌های مخاطب است (ملکی، ۱۳۹۵). در این بخش براساس الگوی داده بنیاد به بررسی عناصر الگوی پیشنهادی تحقیق حاضر مبتنی بر الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی پرداخته شد. الگوی پیشنهادی برنامه درسی تربیت اخلاقی تحقیق حاضر براساس رویکرد داده بنیاد به موجب تصمیم‌گیری در زمینه تربیت اخلاقی در نظام برنامه درسی دوره متوسطه شکل گرفت:

۱. سطح فراگیر(عام): ناظر به تصمیم‌گیری در خصوص مبانی ارزشی می‌باشد.
۲. سطح خاص (جزیی): ناظر به تصمیم‌گیری درخصوص برنامه ریزی و چگونگی اعمال عناصر برنامه است.

موضع‌گیری الگوی پیشنهادی در خصوص عناصر برنامه درسی براساس مفروضات ذیل است: با توجه به این که الگوی پیشنهادی است جهت‌گیری اجزای الگوی مورد نظر پرورش استعدادهای درونی یادگیرندگان در جهت رشد و توسعه فضایل اخلاقی باشد. به طور کلی با توجه به مبانی نظری تحقیق حاضر در حوزه تربیت اخلاقی و الگوی پیشنهادی شامل ویژگیهای زیر است:

- ۱- در تحقیق حاضر سیاستها و اهداف محیطی به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده‌اند، بنابراین پیشنهاد می‌شود که سیاستهای نظام آموزشی در حوزه برنامه درسی تربیت اخلاقی تدوین شد و بودجه به فعالیتهای علمی در حوزه تربیت اخلاقی (محیط اقتصادی) اختصاص یابد؛

۲- براساس یافته‌های تحقیق که طراحی برنامه درسی تربیت اخلاقی به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شد، پیشنهاد می‌شود که برنامه ریزان درسی اهداف و چشم اندازهای آموزش کارآفرینی را مشخص کنند؛

۳- براساس یافته‌های تحقیق مشارکت معلمان در تولید محتوا و تعامل مستمر با مراکز علمی به عنوان راهبرد در نظر گرفته شد که براین اساس پیشنهاد می‌شود که دانش و توانمندیهای معلمان با آموزشهای مستمر و حین خدمت در حوزه برنامه درسی تربیت اخلاقی ارتقا یابد و معلمان در تولید محتوای تربیت اخلاقی مشارکت داده شوند؛

در مقایسه الگوی طراحی شده با ادبیات و مبانی نظری تحقیق در خصوص الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم یافته‌های تحقیق حاضر در حوزه عوامل موثر (سیاستهای محیط کلان، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، اهداف برنامه درسی، فرایندهای یاددهی یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روشهای ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان) بر لگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم با تحقیقات پورموسوی (۱۳۹۴)، شجاعی فرد (۱۳۹۲)، محمدی گلموج، (۱۳۸۹)، آرمند، (۱۳۸۷)، داوودی (۱۳۸۵)، داوودی، (۱۳۸۵)، حسنی، (۱۳۸۲)، استینسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، سیگیو<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، کارین<sup>۳</sup> (۲۰۱۴)، کارولین<sup>۴</sup> (۲۰۱۲)، پاملا و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۱)، کی یونگ ما<sup>۶</sup> (۲۰۰۹)، راج<sup>۷</sup> (۲۰۰۹)، ماری هلن ساندررا<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) و وناسی<sup>۹</sup> (۲۰۰۳) همخوانی دارد.

1 Stinson

2 Segev

3 curren

4 caroline

5 Pamela & Collegues

6 Keung ma

7 Raj

8 marie Hyleen Sandra

9 Nucci

## منابع

- ۱- افکاری، فرشته. (۱۳۹۳). نقد و بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی در کتاب‌های درسی بخوانیم بنویسیم، قرآن، هدیه‌های آسمانی، تعلیمات اجتماعی و طراحی الگوی برنامه ریزی. (پایان نامه دکتری)، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی .
- ۲- اکرمی، ایوب. (۱۳۹۲). فرایند تربیت اخلاقی انسان در قرآن با نگاه به ترتیب نزول سوره و آیات. (پایان نامه دکتری)، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- ۳- آرمنند، محمد. (۱۳۸۷). طراحی الگوی مطلوب تربیت اخلاقی در دوره متوسط براساس نقد الگوی تربیت منش. (پایان نامه دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی .
- ۴- پورموسوی، سید جعفر (۱۳۹۴)، تبیین تربیت اخلاقی عقل محور در اسلام و تحلیل انتقادی کتب دین و زندگی دوره متوسطه بر اساس آن، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۵- جام خانه، کیوان. (۱۳۹۰). تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی: تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی بخوانیم. (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۶- حمداله زاده گل، علی (۱۳۹۵)، مبانی خداشناسی در قرآن کریم و دلالت‌های تربیتی آن (عقلانی، عاطفی و اخلاقی)، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- ۷- داوودی، محمد. (۱۳۸۵). رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی. مجله انجمن معارف اسلامی ایران. شماره ۲. ص ۱۷۵-۱۵۳.
- ۸- شجاعی فرد، محمد. (۱۳۹۲). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتب ادبیات فارسی دوره متوسطه اول. (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی روان شناسی.

- ۹- محمدی لگموج، سیروس. (۱۳۸۹). بررسی مبانی، اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه فیض کاشانی. (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- ۱۰- محمدی، رضا، فتح آبادی، جلیل، یادگار زاده، غلامرضا، میرزا محمدی، محمد حسن، پرند، کورش. (۱۳۸۴). ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی: مفاهیم، اصول، روشها و معیارها. تهران: سازمان سنجش آموزش کشور.
- ۱۱- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۷). الگویابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل (چاپ دوم). تهران: سمت.
- 12- Caroline, koh. (2012). moral Development and student Motivation in Moral Education: A Singapore study. *Australian Journal of Education: Vol .56.No1.*
- 13- Curren, Randall. (2014). Motivational Aspects of Moral learning and progress. *Moral Education. 43(4).*
- 14- Keung Ma, Hing. (2009). Moral Development and Moral Education: An Integrated Approach. *Education Research. Vol. 24, No 2, pp293-326.*
- 15- Klaassen, C. A., Osguthorpe, R. D., & Sanger, M. N. (2016). Teacher Education as a Moral Endeavor. In *International Handbook of Teacher Education* (pp. 523-557). Springer Singapore.
- 16- Mariaye, Marie Hyleen Sandra. (2009). The Role of the school in providing moral Education in a multicultural society: the case of Mauritius. *University of South Africa: unisa. pp 8-25.*
- 17- Nucci, p. Larry. (2003). *Education in the Moral Domain.* Cambridge university press.
- 18- Pamela, lepage, Hanife Akar, Yaliz Temli, Deryasen, Veil Hasser, Ibne ivins. (2011). Comparing teachers' views on morality and moral Education, a comparative study in Turkey and the United States. *Teaching and Teacher Education. Vol 27, pp300-375.*
- 19- Raj, Kamla. (2009). moral Education of the child: who's Responsibility? *Department of Counselling psychology Nigeria: Solarian university of Education. Tai: 20(2). pp149- 156.*
- 20- Segev, A. (2016). Does classic school curriculum contribute to morality? Integrating school curriculum with moral and intellectual education. *Educational Philosophy and Theory, 1-10.*